

تحلیل شاخصه‌های فدرالیسم و جایگاه زنان در اندیشه شهید مزاری

عبدالقیوم آیتی

چکیده

این نوشتار، دیدگاه‌ها و نظریه‌های رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری (ره) در باره‌ی شاخصه‌های فدرالیسم و جایگاه زنان به بحث گرفته شده است. در این میان رهبر شهید، با نگاه انسانی و اسلامی، به شخصیت و جایگاه زنان نگریده و از منزلت و جایگاه انسانی آنان به دفاع برخاسته است. به نظر رهبر شهید، زنان از تمام حقوق انسانی برخوردارند و حق حضور و مشارکت در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه دارند و هرگونه مخالفت با حضور زنان در اجتماع را خلاف دستور صریح دین مبین اسلام دانسته است. رهبر شهید، در دوران کوتاه رهبری خویش، خواستار، مشارکت متناسب گروه‌های قومی، شایسته‌لاری، مشارکت زنان در ساختار سیاسی، تغییر نظام اجتماعی و آموزشی کشور گردید.

واژگان کلیدی: فدرالیسم، رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری، جایگاه زنان، حق رأی، شایسته‌سالاری و تعیین سرنوشت سیاسی.

مقدمه

رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری (ره)، طرح فدرالی را بر مبنای جمعیت و نفوس چهار گروه قومی عمده تنظیم گردیده بود. این سیستم به دلیل اعطای حق خودمختاری نسبی به اقوام تشکیل دهنده ایالات دولت فدرالی، می‌توانست حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همه شهروندان را در جهت احیای هویت و تقویت پلورالیسم فرهنگی و حقوقی که مزاری بر آنها پافشاری می‌ورزد بهتر تضمین نماید. از این جهت، فدرالیسم مناسب‌ترین ساختار در جامعه چند قومی افغانستان تلقی می‌شد. زیرا به اعتقاد او: در سیستم فدرالی حقوق ملیت‌ها بهتر تأمین می‌شد. از

نظام اجتماعی، تغییر نظام فرهنگی و تغییر نظام آموزشی، استوار است.

۱. مشارکت متناسب گروه‌های قومی

یکی از شاخصه‌هایی مهمی که شهید مزاری به آن معتقد بود همه گروه‌های قومی بدون در نظر داشت قومیت، جنسیت خاص در ساختارسیاسی آینده کشور مشارکت کنند و در نظام سیاسی آینده باید براساس واقعیت‌های موجود مشارکت صورت بگیرد. کسی و یا کسانی خیال نکنند، حقوق و امتیازاتی درخور شأن برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. رهبر شهید، میزان نفوس اقوام و تناسب وجود فیزیکی آن‌ها را به عنوان یک راه حل در این زمینه مطرح کرد و گفت: «ما حقوق همه مردم افغانستان را طبق نفوس و به تناسب حضورشان در صحنه‌های جهاد می‌خواهیم هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند. (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۷۶) حکومت فدرالی در کشورهای پیشرفته و آزادی خواه دنیا وجود داشته و موجب جذب و وصل ملیت‌های متعدد است. ما معتقدیم تنها راه جلوگیری از تجزیه افغانستان و تأمین وحدت ملی و ارضی، این است که همه ملیت‌ها به حقوقشان برسند. اگر ملیتی حقوق خود را طلب نموده و خواستار عدالت باشد به معنی تجزیه نیست، این حق طبیعی مردم است که خواستار حقوق خویش و عدالت باشد.» (غفاری، ۱۳۷۳: ۴۵)

شهید مزاری در مورد ضرورت فدرالیسم، بسیار صریح و واضح و مستدل سخن گفته است: «اصل اساسی و احیای حقوق ملیت‌ها، تنها راهش سیستم فدرالی است که باید افغانستان به اساس آن اداره شود.» (احیای هویت، ۱۳۷۳، ۵۱) «ما تنها راه حل مشکل افغانستان را تشکیل یک حکومت فدرالی در این سرزمین می‌دانیم. ما معتقدیم که بدون ایجاد یک ساختار فدرالی که تأمین‌کننده خواست‌ها و اهداف کلیه اقوام، مذاهب

طرف دیگر در این نوع نظام حقوق و جایگاه همه شهروندان کشور بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق به قومی خاص، به بر مبنای شایسته‌سالاری و به جای رفتار مردسالاری تأکید می‌شد. از این‌رو، رهبر شهید، با تأکید بر آموزه‌های دینی به تبیین جایگاه زنان در جامعه پرداخته است که در جهت احقاق حقوق زنان و جایگاه آنان در جامعه، صرفاً به شعار اکتفا نکرد، بلکه در این راستا گام‌های عملی را برداشته و با پیشگام شدن در این عرصه، برای زنان جایگاه همسان مردان تعریف کرده است و به جامعه نشان داده که زنان نیز قادر به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و... در جامعه هستند. بدون تردید فهم درست دین و درک صحیح از اوضاع پیرامون افغانستان و همگام شدن رهبر شهید با اندیشه‌های اسلامی و دستاوردهای مدنی و بین‌المللی است که رهبر فرزانه، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی و نیز مشارکت آنان در امور اجتماعی را یک اصل دانسته است. رهبر شهید، گوشزد می‌کرد که هرگونه رفتاری مانع حضور زنان در تصمیم‌سازی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... آنان گردد، یک عمل غیر مدنی و مخالف صریح قوانین اسلامی و انسانی است.

رهبر شهید، به جنبه انسانی زن توجه کرده و اظهار می‌کند که زن از همه حقوق انسانی بر خور دار می‌باشد. بنابراین، ابتدا، باید دید که یک انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از مسئله جنس، نژاد، زبان، باورها و عقاید، و... چه حقوق و مزایای حقوقی دارد. هر حقی را که یک انسان با این لحاظ داشته باشد، زن نیز به طور یکسان و برابر آن را دار است. در این نوشتار، که شاخصه‌های نظام فدرالیسم و جایگاه زنان در اندیشه شهید مزاری، مبتنی بر شاخصه‌های مشارکت متناسب گروه‌های قومی، شایسته‌سالاری و نه مردسالاری، مشارکت زنان در ساختارسیاسی، تغییر

و گرایش‌های سیاسی باشد بحران افغانستان حل نخواهد شد... در سیستم فدرالی حقوق ملیت‌ها بهتر تأمین خواهد شد و وحدت ملی نیز به صورت اصولی تحقق خواهد یافت» (غفاری، پیشین، ۱۰۱). «ما سیستم فدرالی که در آن حقوق همه مردم افغانستان رعایت شده و سیستم انحصاری قدرت را درهم می‌شکند مناسب‌ترین ساختار سیاسی برای آینده افغانستان می‌دانیم. در این سیستم که با توجه به واقعیت‌های جامعه افغانستان و بافت و ترکیب قومی، مذهبی و محلی آن پیشنهاد می‌گردد بسیاری از مشکلات کنونی حل گردیده و خواسته‌های برحق کلیه ملیت‌ها و اقوام افغانستان مبنی بر سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مربوط به کشورشان تحقق می‌یابد.» (غفاری، پیشین، ۱۴۴)

«حزب وحدت معتقد است و اعلان هم کرده که آینده افغانستان توسط یک سیستم فدرالی اداره شود تا هر ملیت احساس کنند که درباره سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند. حالا عملاً مناطق در دست مردم است اگر در ایجاد یک دولت توافق نشود اصلاً مرکز در شمال تسلط ندارد. در هرات تسلط ندارد و در هزاره‌جات تسلط ندارد. هم در آنجا تشکیلات دارند، هم سلاح دارند، هم امکانات دارند و هم وسیله. تنها راه حل که هم افغانستان را از تجزیه نجات می‌دهد و هم ملیت‌ها را قانع می‌سازد و هم حقوق‌شان را در دست‌های‌شان می‌دهد یک سیستم فدرالی در افغانستان است که در آن توافق ملیت‌ها در نظر گرفته شود، عنعناتش در نظر گرفته شود و خودشان تصمیم‌گیر باشند، یک حکومت مرکزی هم داشته باشند. ملیت‌هایی که محروم بوده و تحت فشار بوده اگر قانون فدرالی نیاید هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که در آینده قتل عام نمی‌شوند. در آینده کشته نمی‌شوند و در آینده تحت فشار قرار نمی‌گیرند. تنها اطمینانش این است که سرنوشتش را خودش باید تعیین کند. ما در طول تاریخ افغانستان، سه، چهار بار قتل عام عمومی شده‌ایم که در دوران عبدالرحمن

۶۲ در صد مردم ما از بین رفت. این چطور می‌شود که ما این را اطمینان بکنیم که یک حکومت مرکزی به وجود بیاید ما خلع سلاح شویم و دوباره این مسئله تکرار نشود و کسانی که در دفعه قبل تجویز کرده بود، امروز هم تجویز نکنند. لذا تنها راه آرامی در افغانستان و تنها راهی که تجزیه نشود، راهی که ملیت‌ها همبستگی خود را حفظ بکنند و تمامیت ارضی افغانستان حفظ شود، ایجاد سیستم فدرالی در افغانستان است. ما طرفدار آن هستیم و آن را اعلان کرده‌ایم. نه تنها ما این مسأله را می‌گوییم، غرب هم این را راه حل می‌داند و شمال افغانستان هم این را می‌گوید. همه این را می‌گویند و حکومت خوبی هم است. چون هر کس می‌تواند هم در مناطق خود تصمیم بگیرد و هم در مملکتش» (احیای هویت، پیشین، ۴۹ و ۵۰)

رهبر شهید با طرح نوع نظام سیاسی آینده کشور، مشارکت متناسب و عادلانه در ساختار سیاسی کشور می‌داند و ضرورت نظام فدرالیسم را برای اداره بهتر کشور و راه‌حلی مناسب منازعات گروه‌های قومی می‌داند.

۲. شایسته‌سالاری و نه مردسالاری

یکی دیگر از شاخص‌های نظام فدرالی از دیدگاه شهید مزاری رعایت شایسته‌سالاری است، در کشوری که هیچ‌وقت شایستگی‌ها رعایت نمی‌شده و همیشه و همه‌چیز بر معیار و ترازوی قومیت و جنسیت ارزیابی و سنجش می‌شد و به‌ویژه آن‌هایی که از این دیدگاه و رفتار انحصارطلبانه رنج‌بردند با تغییرات پدید آمده در جامعه، خواستار آن چیزی است که همیشه از فقدان آن رنج‌برده و بر آن تأکید می‌کند. رهبر شهید به مسئله جایگاه و احقاق حقوق زن افغانستان و بازنشاسی آن به جایگاه انسانی آن است. این فریاد در شرایطی از زبان رهبر شهید طنین انداز می‌شود که عده‌ای از رهبران متحجر و بی‌خبر از اصول و ارزش‌های اسلامی، صریحاً ابراز می‌دارند

و با خونش این سرزمین را آزاد کرده است؛ در دامن چنین مادران تربیت شده است و با مشکلات این طفل را تا جوان رعنا درست کرده و از اسلام دفاع کرده این رنج را مادرش کشیده است. (لاله سرخ (۶)، ۱۴۰۱: ۳۰)

شهید مزاری، از رفتار تبعیض‌آمیز حاکمان پیشین انتقاد کرده و در نظام فدرالیسم، باید گزینش افراد را براساس لیاقت، تخصص و شایستگی باشد و نه براساس وابستگی به قوم خاص و تعلق به جنسیت خاص.

۳. مشارکت زنان در ساختار سیاسی

یکی دیگر از شاخصه‌های ساختار فدرالیسم این است که همه شهروندان کشور و بدون تفاوت جنسیتی در انتخابات برای ایجاد حکومت مرکزی و محلی مشارکت کنند. در نظام فدرالیسم باید زنان و حق رأی، زنان و حقوق مساوی با مردان، ضرورت سرشماری و ... داشته باشند.

الف) زنان و حق رأی

حق رأی، تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری یکی از حقوق عمده انسان است که خداوند این حق را به انسان داده و او را مسئول تعیین سرنوشت و جامعه‌اش قرار داده است. همه افراد بشر اعم از زن و مرد، پیر و جوان، سیاه و سفید و... به صورت یکسان این حق را دار است. همه حق دارند در تعیین سرنوشت خود شرکت کنند، انتخاب کنند و انتخاب شوند؛ ولی در افغانستان زنان چنین حقی را نداشتند. حتی برخی از رهبران جهادی و علمای که فهم و درک درستی از اسلام نداشتند، مخالف فعالیت‌های سیاسی و حضور زن در اجتماع بودند. رهبر شهید، مزاری بزرگ، براساس تعالیم ناب اسلام و آموزه‌های رهایی‌بخش مکتب تشیع، دفاع از حقوق و جایگاه سیاسی اجتماعی زن را وجهه همت قرار داد. رهبر شهید، نماد عدالت خواهی و مبارزه علیه ظلم و استبداد و تبعیض بود. وی می‌خواست طلسم انحصارگرایی و قدرت‌طلبی را به

که زن افغان، نقشی در حکومت آینده افغانستان ندارد و حکومتی که زنان در آن نقش داشته باشد، غیر اسلامی است (باقری، ۱۳۸۵: ۱۵۰). در قانون اساسی دولت آقای ربانی آمده بود که صرفاً مرد حنفی، حق کاندید شدن مقام ریاست جمهوری را دارد یعنی زنان چنین حقی را ندارند. مولوی یونس خالص یک عالم دینی اهل سنت نیز تأکید می‌کرد، حکومتی که زنان در آن نقشی داشته باشد غیر اسلامی است (جمعی از نویسندگان: ۴۷۴). اما رهبر شهید که هدف اصلی و آرمان اساسی وی تحقق عدالت اجتماعی، شکستن طلسم انحصار و استبداد بود از حقوق و آزادی زن دفاع می‌کرد و خواستار ایجاد حکومتی می‌شود که در پرتو آن، همه مردم افغانستان اعم از مرد و زن به حقوق‌شان رسیده و برابر و برادر وار زندگی کنند.

رهبر شهید، دغدغه‌های جدی که از سوی برخی رهبران احزاب جهادی درباره مشارکت زنان مطرح می‌گردید هرگز مورد تأیید ایشان قرار نگرفت. او مخالف هر نوع تبعیض جنسی بوده و آن را ناسازگار با آموزه‌های دینی می‌دانست. (غفاری، پیشین، ۲۴۱) رهبر شهید، ضمن اشاره به نقش و جایگاه والای زن در تفکر اسلامی، حضور فعال زنان را در صدر اسلام یادآوری می‌کند، موضع کسانی را که مخالف حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی سیاسی، بودند، خلاف دستورات اسلام دانسته و خاطر نشان می‌کند: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همه عرصه‌های حیات اجتماعی سیاسی کشور فعال باشند، انتخاب شوند و انتخاب کنند.» (غفاری، پیشین، ۵۵)

در جای دیگر رهبر شهید به نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان اشاره می‌کند و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر مادران در تربیت فرزندان جهادگر را ستوده و کاری بسیار بزرگ خوانده است. استاد شهید، چنین بیان می‌کند: این خواهران و مادرانی که در پیروزی انقلاب نقش فوق العاده داشتند. اگر هر جوانی، فداکاری کرده و از این سرزمین دفاع کرده

هر شکل و شیوه آن بشکند و یک حکومت اسلامی به وجود آورد که در پر توی آن همه مردم افغانستان اعم از زن و مرد به حقوق شان رسیده و برابر زندگی کنند. رهبر شهید در یک مصاحبه موضع کسانی را که مخالف حضور زن در عرصه سیاسی اجتماعی بودند، خلاف دستورات اسلام دانسته، اظهار می‌کند: «زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردار هستند و می‌توانند در همه عرصه‌های حیات اجتماعی سیاسی کشور، فعال باشند انتخاب کنند و انتخاب شوند.» (عبدالله غفاری، ۱۳۷۳: ۵۵)

ب) زنان و حقوق مساوی بامردان

مشارکت برابر زنان با مردان، لغو حوزه‌های انتخاباتی متعدد بر اساس واحدهای اداری قبلی و به وجود آوردن یک حوزه انتخاباتی وسیع کشور و توزیع قدرت بر مبنای ترکیب قومی به تناسب ترتیب آرای که به دست آورد. (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۸۳) هدف شهید مزاری از طرح دولت فدرال، رفع مظالم گذشته بود. او با توجه به شرایط پیش آمده که نتیجه عملکرد احزاب سیاسی - نظامی در پیشاور و کابل بود، از تکرار تجربیات گذشته ترس داشت؛ و برای کارایی دولت نظام فدرالی را پیشنهاد کرد. نکته قابل توجه در سازوکار انتخاباتی مورد نظرش این بود که او تمام افغانستان را یک حوزه انتخاباتی بزرگ در نظر گرفته که همه شهروندان در هر نقطه از کشور و حتی خارج از کشور که باشند به کاندیداهای حزب موردعلاقه خود رأی دهند. احزاب به تناسب کل آرای که در سراسر کشور به دست می‌آورند و تعداد نمایندگان خود را بر اساس فرمول نسبت رأی پیش‌بینی شده برای هر نماینده تقسیم بر افراد نماینده به دولت و مجلس معرفی کنند. (عبدالله غفاری، پیشین: ۲۸۸ و ۲۴۱)

رهبر شهید، انتخاباتی را راه‌حل، مسائل افغانستان می‌داند که دارای دو ویژگی باشد: یک، آزاد باشد؛ دو، مردمی و فراگیر باشد: «ما معتقدیم که انتخابات باید

کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند. ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرف‌دار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن و مرد، پیرو جوان، و... برای تعیین سرنوشت سیاسی شان هستیم، این عادلانه نیست که مردان حق شرکت در انتخابات داشته باشند ولی زنان از این حق مسلم انسانی - اسلامی شان محروم باشند.» (عبدالله غفاری، ۱۳۷۳: ۳۲) به عقیده رهبر شهید نادیده گرفتن حق سیاسی زنان و جلوگیری از حضور آنان در امور سیاسی کشور از جمله انتخابات، علاوه بر این که یک کار غیر عادلانه است، نظام سیاسی کشور و انتخابات، بدون حضور زنان، ناتمام و ناقص خواهد بود: «ما طرح خود را برای حل این مسایل به کمیسیون انتخابات دادیم و در آن گفته بودیم که باید احزاب و افراد مستقل کاندید شوند کسی که تابع افغانستان است اعم از زن و مرد در رأی گیری شرکت داشته باشند... و اگر بگویم زن‌ها شرکت نکنند. بدین ترتیب نصف مردم در انتخابات حاضر نبوده و انتخابات ناقص خواهد بود.» (عبدالله غفاری، ۱۳۷۳: ۲۰۲)

ج) ضرورت سرشماری

مسئله دیگر در انتخابات مشخص نبودن دقیق نفوس است و مشکل دیگر شرکت و یا عدم شرکت زن‌ها در انتخابات است. ما طرح خود را برای این مسائل به کمیسیون انتخابات دادیم و در آن طرح ما گفته بودیم که باید احزاب و افراد مستقل کاندید شود، کسی که تابع افغانستان است اعم از زن و مرد در رأی گیری شرکت داشته باشد و به این طریق هم موضوع نفوس و هم واحد اداری حل می‌شود چون اگر واحدهای اداری معیار باشد حقوق تعداد زیادی از مردم ضایع می‌شود و اگر بکشیم که زن‌ها شرکت نکنند بدین ترتیب نصف مردم در انتخابات حاضر نبوده و انتخابات ناقص خواهد بود و اگر نفوس را معیار قرار بدهیم باز هم سرشماری دقیق وجود ندارد.» (عبدالله غفاری، ۱۳۷۳: ۲۴۴ و ۲۴۵)

خارج از کشور فعال کرد. بدین وسیله حزب وحدت افغانستان نشان داد که اندیشه اسلامی با دید شیعی پویا، متحرک و انسانی است که می‌تواند تمام نقش‌ها را از سر بگیرد. (ماهنامه گلسرخ، ۱۳۷۶: ۲۳).

رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری (ره) این موضوع را چنین توضیح می‌دهد: «حزب وحدت ده تا کمیته دارد در شورای مرکزی آن، یک کمیته به نام کمیته زنان است و معتقد هستیم که نصف جمعیت افغانستان را زنان تشکیل می‌دهد، باید در سرنوشت آینده مملکت‌شان مشارکت داشته باشند و در انتخابات هم. در طرح انتخابات هم که حزب وحدت داده است، به زنان حق قایل شده است که هم انتخاب شده و هم رأی داده می‌توانند.» (لاله سرخ (۶)، ۱۴۰۱: ۲۹)

۴. تغییر نظام اجتماعی

رسوخ دامنه‌دار تبعیض و عصبیت‌های کور در بین گروه‌های قومی در افغانستان از نظر حقوق سیاسی، منزلت اجتماعی و بهره‌مندی از امکانات عمومی روزبه‌روز بر تشدید بحران کارآمدی افزوده است چیزی که می‌توان از آن به ستم مذهبی و قومی نام برد تکیه یک‌سویه بر فرهنگ و عقاید طایفه‌ای به انکار هویت‌های متمایز و تضعیف نقش مردم در نظام اجتماعی انجامیده است از این‌رو، شهید مزاری برای حل این بحران و رفع تبعیض و توجه به نقش مردم را به‌عنوان یکی از شاخصه‌های خویش معرفی می‌کند. شهید مزاری از بزرگ‌ترین طراحان نظریه دولت مردم‌سالار در دهه ۱۳۷۰ شناخته می‌شود. او بیان می‌کند: ما تنها راه‌حل مسئله افغانستان را در انتخابات می‌دانیم... ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت کنند. ما سیستم انحصار را به هر شکل و شیوه آن رد می‌کنیم و طرفدار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر، جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم این عادلانه نیست که مردان

رهبر شهید ضمن اعلان مواضع حزب وحدت اسلامی افغانستان، موضع حزب وحدت را در قبال زنان افغانستان این‌طور بیان می‌کند: «ما معتقدیم که زنان مسلمان افغانستان، در عین حال که یکی از اقشار همیشه محروم و مظلوم افغانستان بوده‌اند و همواره در همه تحولات و بحران‌های این سرزمین، مخصوصاً جنگ استقلال طلبانه بر ضد انگلیس و جهاد رهای بخش بر ضد اشغالگران شوروی و در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، درمانی، تشکیلاتی و حتی جهادی فعالیت چشمگیر و نقش بسیار مؤثر داشته‌اند. نادیده گرفتن حقوق آنان و جلوگیری از شرکت آن در تعیین سرنوشت و حق رأی در انتخابات، مخالف دستورات اسلام و یک ستم بزرگ می‌باشد. ما می‌خواهیم که زنان مسلمان در همه صحنه‌ها حضور فعال داشته و حقوق آنها در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی حفظ و رعایت شود.» (سید نورالدین، ۱۳۸۹: ۸۶)

د) زنان و حزب وحدت اسلامی افغانستان

رهبر شهید، یک رهبر عملگرا بود و هراندیشه‌ی که در ذهن داشت و در میدان عمل هم در سدد تحقق آن بود. رهبر شهید برای تحقق عدالت اجتماعی و احیای و تأمین حقوق زنان، عملاً زنان را در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری و اداره‌ی حزب وحدت سهیم ساخت. به همین دلیل شورای مرکزی تک جنسیتی (رجلیت) را تغییر داده و متشکل از خواهران و برادران نمود و ۱۲ تن از زنان تحصیل کرده را از سال ۱۳۷۰ در عضویت شورای مرکزی شامل کرد. (ارزگانی، بی‌تا: ۵) و نیز زمینه فعالیت زنان را در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه فراهم و مساعد نمود و در جهت عملی نمودن و سهم‌گیری و حضور بهتر زنان کمیته امور زنان را که یکی از چند کمیته اصلی حزب وحدت اسلامی افغانستان بود، ایجاد کرد و کمیسیون‌های منشعب از آنها را نیز در سطح ولایات در داخل و در شهرهای مهاجرنشین

حق دارند که در انتخابات شرکت داشته باشند ولی زنان از این حق مسلم انسانی اسلامی شان محروم باشند همه حق دارند که در انتخابات شرکت کنند. (احیای هویت، ۳۷) او تابعیت را تنها معیار مشارکت شهروندان در سرنوشت سیاسی شان می‌داند و هر نوع تبعیض نژادی، مذهبی و جنسی را در انتخابات مردود تلقی می‌کند. دغدغه‌های جدی که از سوی برخی احزاب جهادی درباره مشارکت زنان ابراز می‌شد هرگز مورد تأیید مزاری قرار نگرفت. او مخالف هر نوع تبعیض جنسی بوده و آن را ناسازگار با آموزه‌های دینی می‌دانست. با توجه به آنچه گفته آمدیم هدف شهید مزاری از طرح این مسئله روشن می‌شود، او با طرح این قضیه خواهان تغییر ساختار اجتماعی تک‌قبیله‌ای و تک‌قومی گذشته به ساختار مردمی و فراگیر بود تا در سایه چنین ساختاری مظالم گذشته مرتفع گردد و به مرور ایام شکاف‌های قومی، قبیله‌ای و مذهبی محو گردد و وحدت ملی در سایه مشارکت همه اقوام به وجود آید.

۵. تغییر نظام فرهنگی

یکی دیگر از شاخصه‌های که در نظام آینده کشور باید تغییر کند، نظام فرهنگی است. شهید مزاری با درک این مهم خواستار تغییر در نظام فرهنگی شده و اصلاح ساختار فرهنگی را در کنار اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی، راه‌حل اصلی بحران معرفی می‌کند. یکی از راهبردهای شهید مزاری برای تغییر نظام فرهنگی، مسئله حفظ هویت‌های فرهنگی اقوام است. شهید مزاری با تمام وجود احساس کرده بود که در طول تاریخ افغانستان گروه حاکم چقدر بی‌رحمانه هویت‌های فرهنگی اقوام دیگر را نابود می‌کنند به این نتیجه رسیده بودند که هم به نفع کل افغانستان و هم به نفع همه‌ی گروه‌های قومی است که در سایه یک فرهنگ پلورال زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و در همین راستا است که شهید مزاری

خطاب به شیعیان هزاره غرب کابل می‌فرماید: «ما عاشق قیافه کسی نیستم، سه چیز در این مملکت در آینده می‌خواهیم: یکی رسمیت مذهب ما، دیگر این‌که تشکیلات گذشته ظالمانه بوده باید تغییر کند و سوم این‌که شیعه در تصمیم‌گیری شریک باشیم.» (احیای هویت، پیشین، ۷۵)

بسیار روشن است که در طول تاریخ افغانستان به هویت‌های فرهنگی و مذهبی اقوام دیگر به‌ویژه هزاره‌ها، نه تنها توجه نمی‌شده بلکه توهین و تحقیر دیگر اقلیت‌های قومی به‌خصوص هزاره‌ها به یک هنجار تبدیل شده بود. شهید مزاری در همین باره فرمود: «من می‌خواهم هزاره بودن در این کشور جرم نباشد.» (منشور برادری، ۱۳۷۹: ۲۳۴)

۶. تغییر نظام آموزشی

شهید مزاری با درک این وضعیت که نظام آموزشی کاملاً تبعیض‌آمیز و ظالمانه بوده است و باید تغییر کند و بارها روی کارهای فرهنگی تأکید می‌کرد ایشان در آخرین بیانات خود که در واقع وصیت‌نامه سیاسی ایشان، می‌توان به‌شمار آورد این‌گونه سفارش می‌کند: نظام‌های حاکم تعمد داشتند که ما را به مکتب‌ها اجازه ندهند و آنچه در این جامعه امتیاز به حساب می‌رفت، ما از آن محروم بودیم در زمان شاه محمود رسماً به وزارت فرهنگ مکتوب می‌نویسند که بچه‌های هزاره و شیعه را در حربی پوهنتون و سایر مکتب‌های که ارزش دارند، نگیرند. (ضیایی، ۱۳۸۸: ۲۱۸) رهبر شهید بادرک ضرورت آموزش زن و مرد، چنین بیان می‌کند: «به‌عنوان یک وظیفه ملی و اسلامی وظیفه ماست که پوهنتون باید باز شود تا نسل جوان (زن و مرد) تحصیل بکند و آینده افغانستان در اختیار این‌هاست» (همان، ۳۵) او معتقد بود باید این رویکرد تغییر کند تا زنان در نظام سیاسی آینده جایگاه خویش را به دست آورند. در دیدگاه رهبر شهید، حق تحصیل را برای

منابع

باقری، یار محمد، (۱۳۸۵) شکل‌گیری و تحول جنبش طالبان.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸) افغانستان و حکومت آینده: مجموعه مقالات برگزیده فراخوان کنگره، به کوشش محمدعیسی رحیمی، مؤسسه فرهنگی راه فردا (شعبه تهران).

جمعی از نویسندگان، (دلو ۱۴۰۱)، لاله سرخ (۶)، ایران، گروه فرهنگی راه روشن.

سخنی ارزگانی، (بی‌تا)، «دیدگاه‌ها و نقطه نظرات شهید مزاری در حل بحران افغانستان»، ماهنامه مشعل. سیدنورالدین، (مهر ۱۳۸۹)، «روند تکاملی حزب وحدت اسلامی افغانستان»، شاهد یاران، تهران، ماهنامه فرهنگی تاریخی، شماره ۵۹.

شهید مزاری، (۱۳۷۳)، احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های رهبر شهید، قم، انتشارات سراج. شهید مزاری، (۱۳۷۹)، منشور برادری، بنیاد رهبر شهید بابه مزاری.

ضیایی، رضا، (۱۳۸۸)، چراغ راه، تهران، بنیاد فرهنگی رهبر شهید در اروپا.

عبدالله غفاری، (۱۳۷۳)، فریاد عدالت (مجموعه مصاحبه‌های استاد شهید مزاری)، قم، مؤسسه شهید سجادی. ماهنامه گل‌سرخ، (۱۳۷۶)، قم، شماره ۲۹-۳۰، سال سوم، حزب وحدت اسلامی افغانستان.

زن و مرد یکسان دانسته شده است. اما در دیدگاه مردسالارانه بنیادگرایان اخوانی و طالبانیسم، چنین نگاه مردود شمرده شده است. در حکومت ربانی هم حقی برای زنان در نظر گرفته نشده بود و همچنین در دوره امارت چنین رفتار تبدیل به یک رویه شده است. زنان حق کار، اشتغال، تحصیل را ندارند و از هر نوع فعالیت اجتماعی محروم شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در افغانستان نگرش‌های سنتی به زنان می‌شد و همواره تحت سلطه و فشارهای نظام مردسالارانه و نظام‌های فرسوده حاکم، قرار داشتند. برخی از بنیادگراها، رهبر شهید، با توجه به وضعیت و شرایط بحرانی کشور، طرح نظام فدرالیسم را پیشنهاد کرد و در این نظام، شاخصه‌های مختلفی در جامعه پیش‌بینی شده بود که در آن، تبعیض قومیت و جنسیت راه نداشت. بنابراین، استاد شهید مزاری با نگرش انسانی به زنان و جایگاه آنان، نگریده است. در اندیشه رهبر شهید، زنان از کلیه حقوق انسانی برخوردارند و می‌توانند در همه‌ی عرصه‌های حیات اجتماعی، سیاسی کشور نقش داشته باشند و مخالفت با کار، تحصیل و مشارکت زنان در اداره کشور را خلاف دستورات دین اسلام دانسته است. فارغ از مسئله جنس، نژاد، زبان، باورها و عقاید، و... چه حقوق و مزایای حقوقی دارد. هر حقی را که یک انسان با این لحاظ داشته باشد، زن نیز به طور یکسان و برابر آن را دار است.